

زبان، فرهنگ، اصطلاحات و ارتباط آنها با آموزش زبان‌های خارجی

جمیله بابازاده*

استادیار گروه زبان و ادبیات روسی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۷/۱۴، تاریخ تصویب: ۸۸/۹/۲۳)

چکیده

در حال حاضر مسئله ارتباط انسانی یکی از مطرح‌ترین موضوعاتی است که ذهن زبان‌شناسان، مردم‌شناسان، روان‌شناسان و فلاسفه را به خود مشغول داشته است. از آنجایی که زبان نه تنها اصلی‌ترین ابزار برقراری ارتباط میان انسان‌ها بلکه همچنین بخش مهمی از فرهنگ مردم محسوب می‌شود، بنابراین ارتباط زبان با فرهنگ و تأثیر متقابل آن دو از اهمیت بالایی برخوردار بوده و توجه زیادی را به خود معطوف داشته است. در این مقاله برقراری ارتباطات انسانی در رابطه با آموزش زبان‌های خارجی بررسی می‌شود. حل مسائل مربوط به زبان و فرهنگ، به بهینه‌سازی فرایند آموزش زبان‌های خارجی و تحقق بخشیدن هدف عملی آموزش یعنی تسلط بر زبان خارجی توسط زبان‌آموزان به عنوان وسیله برقراری ارتباط کمک می‌کند. در این راستا مؤلف مقاله از میان واحدهای زبانی، اصطلاحات را که حاوی غنی‌ترین اطلاعات فرهنگی‌اند مورد بررسی و نتیجه‌گیری قرار داده است. به نظر مؤلف مقاله در تدوین مطالب درسی مربوط به اصطلاحات و تعبيرات نه تنها ایدئوم‌ها، بلکه ترکیب کلمات یا گروه واژه‌های ثابت نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

واژه‌های کلیدی: زبان، ارتباط، فرهنگ، "زبان" فرهنگ، اصطلاحات، آموزش زبان خارجی.

مقدمه

بر همگان روشن است که زبان ابزاری برای برقراری ارتباط است. انسان در جامعه زندگی می‌کند و بدون داشتن ارتباط با هم‌نوعان خود، زندگی گروهی بشر مفهومی ندارد. می‌توان با صراحت کامل اذعان کرد که ارتباط، اساس موجودیت جامعه بشری است. بنابراین مسائل مربوط به ارتباطات انسانی نمی‌توانند مورد بی‌توجهی انسان قرار بگیرد. گونه‌های دانش، مسائل مربوط به ارتباطات انسانی را در برمی‌گیرند، از جمله مردم‌شناسی، فلسفه، روانشناسی، روانشناسی زبان، فرهنگ‌شناسی، جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی زبان و غیره. همانطور که می‌دانیم زبان یگانه ابزار برای برقراری ارتباط نیست (ارتباط غیر کلامی) ولیکن به عنوان مهمترین آنها به شمار می‌رود.

هنگامی که می‌گوییم زبان ابزار و وسیله برقراری ارتباط به شمار می‌رود، طبعاً این سؤال مطرح می‌شود که چه رابطه‌ای میان زبان و ارتباطات انسانی وجود دارد؟ برای پاسخ به این سؤال بهتر است به گفته‌های برخی از زبان‌شناسان مراجعه کنیم. به طور مثال:

«در تمام جوامع، زبان خالص‌ترین فرایند برقراری ارتباط انسانی است» (سپیر ۲۱۱).

«زبان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط است و از میان انواع رفتارهای ارتباطی، مشهورترین، رسمی‌ترین و از نظر اجتماعی مقبول‌ترین است» (تر-میناسوا ۶).

حال برای درک واژه «ارتباط» به فرهنگ لغت خارجی توجه می‌کنیم:

«ارتباط یا communication (از کلمه لاتین communicatio) رابطه میان دو یا چند نفر است که مبنی بر درک متقابل بوده و انتقال اطلاعات توسط یک شخص به شخص دیگر و یا به چند نفر است» (فرهنگ لغات خارجی ۲۴۰).

ضرب‌المثل‌های ملل جهان نیز تأییدی بر این تعریف است.

به طور مثال در فارسی «پرسان پرسان می‌روند هندوستان»، در روسی *Язык до Киева*

доведёт (زبان تو را تا کیف می‌برد) (بابازاده ۲۰۸) و در ایتالیایی *Chi lingua ha, a Roma va* (هر کس زبان دارد به رم می‌رود). (پائولا گواتسوتی ۳۱۲).

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا همیشه عملکرد ارتباط میان افراد بر پایه درک متقابل استوار است؟ بدین معنی که آیا ارتباط به کمک زبان، در تمام موارد موفقیت‌آمیز و کامل است؟

اگر پاسخ مثبت است پس چرا ضرب‌المثل‌هایی نیز وجود دارند که خلاف آن را بیان

می‌کنند؟

به طور مثال در فارسی «زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد» (دهخدا ۸۹۳)، در روسی
Язык мой-враг мой (زبان من، دشمن من) و در ایتالیایی La lingua non ha osso , ma
può far male grosso. (زبان استخوان ندارد، اما می‌تواند بدی‌های بسیار کند).

بحث و بررسی

اکنون سعی می‌کنیم عبارات حکیمانه مردمی را که در بالا ذکر شده است به زبان علمی
بیان کنیم.

ورشاکین و کاستاماروف، زبان‌شناسان مشهور روسی که به عنوان پایه‌گذاران
کشورشناسی زبان در روسیه شناخته شده‌اند، در کتاب خود با عنوان «زبان و فرهنگ» چنین
می‌گویند:

«مسئله این است حتی کسانی که مسلط به یک زبان مشترک‌اند نیز نمی‌توانند همیشه
یکدیگر را به درستی درک کنند که دلیل آن اغلب همان تفاوت فرهنگ‌هاست» (ورشاکین ۲۶).
بیان دیگری نیز در این زمینه جالب به نظر می‌رسد: «در وهله اول زبان به فرهنگ کمک
می‌کند تا هم ابزار ارتباط افراد باشد و هم ابزار جدایی آنان زبان در حالی که از لحاظ
دیالکتیکی این دو عملکرد متضاد را داراست، می‌تواند ابزاری برای بقای ملل و متمایزکننده
«خودی‌ها» از «بیگانه‌ها» باشد (آنتیپوف ۷۵).

پس در اینجا مسئله دیگری مطرح می‌شود و آن ارتباط میان زبان و فرهنگ است.
ما ضمن درک طبیعت اجتماعی زبان، با این عقیده موافقیم که اصلی‌ترین عملکرد زبان،
نقش ابزاری آن در برقراری ارتباط بین افراد است. علاوه بر آن، زبان ابزاری برای درک جهان
است، بدین معنی که «زبان نه تنها ابزاری برای اطلاع‌رسانی است، بلکه قابلیت این را دارد که
اطلاعاتی را در زمینه محیط پیرامون فرد منعکس، ثبت و حفظ نماید» (ورشاکین ۱۰).
بنابراین ارتباط در صورتی میسر است که هم گوینده و هم مخاطب دارای اطلاعات
پیشین مشترک باشند.

ما در اینجا بدون آن که به بررسی تعاریف بیشمار «فرهنگ» بپردازیم، تنها بخش کلی و
مشترک میان آنان را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

فرهنگ همواره در دو بعد جداگانه مادی و معنوی بررسی می‌شود. فرهنگ مادی به
مجموعه آثار عینی و مادی کار بشری اطلاق می‌شود. فرهنگ معنوی مجموعه‌ای از ارزش‌های
معنوی است که توسط جامعه بشری ایجاد شده است.

از آن جایی که فرهنگ مادی موضوع مورد بحث ما نیست، بنابراین در ادامه صحبت درباره فرهنگ، تنها به فرهنگ معنوی می‌پردازیم. در طول تاریخ، در جوامع ساخته‌شده به دست انسان‌ها، عملکرد اصلی فرهنگ، نقش تعیین‌کننده آن در قوانین اخلاقی و عملکرد بشر در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی و معنوی بوده است.

«فرهنگ برای تجسم یافتن محتوای خود به شکلی ملموس یا به اصطلاح برای یافتن «زبان» خود، از تمامی آنچه که می‌تواند بیانگر غنای مفهوم آن باشد، بهره می‌برد. یعنی عناصر طبیعی، «اشیاء» ساخته شده توسط بشر، ثمرات عینی‌شده درک جهان معنوی، آثار هنری، علمی و غیره و همچنین ابزار سمبولیک زبان طبیعی که به وسیله محتوایشان ماهیتی «فرهنگی» یافته‌اند. ابزار سمبولیک زبان طبیعی یعنی کلمات، اصطلاحات، جملات و حتی متن‌ها که نقش سمبل‌های «زبان» فرهنگ را دارند و در آنها شکل و محتوای آن یکجا آمده است» (تلیا ۷۷۶).

ارتباط متقابل زبان و فرهنگ مسئله پیچیده‌ای است که نیاز به بررسی عمیق و همه‌جانبه دارد. همانطور که پیشتر متذکر شدیم، موضوع مورد نظر ما ارتباط میان زبان و فرهنگ در زمینه آموزش زبان‌های خارجی است.

چگونه زبان و فرهنگ در روند آموزش زبان‌های خارجی تأثیر متقابل دارند؟ ما تلاش می‌کنیم این موضوع را در رابطه با دانشگاه تهران بررسی نماییم.

«فرهنگ، «زبان» خود را داراست - فرهنگ با ما به وسیله معماری، نقاشی، موسیقی، رقص و ادبیات سخن می‌گوید ... اما جامع‌ترین ابزار برای بیان «زبان» فرهنگ، زبان طبیعی است. با استفاده از این ابزار، انسان می‌تواند درباره تمامی آنچه که در محیط اطراف تحت تأثیر فرهنگ قرار گرفته و قابل بیان و تعبیر است، سخن بگوید» (تلیا ۱۲).

همانطور که روشن است تا مدت‌های مدیدی برای تدریس زبان روسی روش دستور-ترجمه‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این رابطه باید خاطر نشان ساخت که در سال‌های اخیر در ایران نیاز به تسلط عملی بر زبان روسی افزایش یافته است و هدف تسلط عملی بر زبان به عنوان ابزار برقراری ارتباط، در وهله اول قرار گرفته است.

طبعاً در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا دانستن قواعد دستوری و توانایی ساخت جملات مطابق با مدل‌ها و نمونه‌ها برای تحقق هدف عملی آموزش و یا به عبارت دیگر برای برقراری ارتباطات یکسان و مناسب کافی است؟

پاسخ به این سؤال را می‌توان در فرمول‌بندی زیر یافت: «استفاده از ساختار زبانی و مدل‌های گفتاری در برقراری ارتباط به این امر بستگی دارد که چه کسی با چه کسی و با چه

هدفی صحبت می‌کند، یعنی به عوامل فرازبانی وابسته است که این عوامل نیز بایستی مورد مطالعه قرار بگیرند، چرا که بدون آن حیات زبان در جامعه غیرممکن است» (آکیشینا ۱۲).

تجربه تدریس زبان روسی در سال‌های گذشته در دانشگاه تهران نشان می‌دهد که دانشجویان این رشته بعد از دانش‌آموختگی، دانش زبان‌شناسی گسترده‌ای را کسب کرده بودند، ولیکن درحین استفاده در گفتار (ارتباط واقعی) دچار مشکلات زیادی می‌شدند. به احتمال زیاد این امر به این دلیل اتفاق می‌افتاده است که نقش عوامل فرازبانی که بیش از هر چیز در فرهنگ عینیت می‌یابند و ما آن را بیشتر ذکر کردیم، مورد توجه لازم قرار نمی‌گرفته‌اند. همانطور که پیشتر گفتیم، در فرهنگ نه تنها دنیای واقعی پیرامون انسان و شرایط زندگی او منعکس می‌شود، بلکه خودآگاهی اجتماعی ملت یعنی تفکر، شیوه زندگی، سنن، سیستم ارزش‌ها و جهان‌بینی انسان انعکاس می‌یابد. تمامی این موارد تا حدودی در زبان عینیت می‌یابند، به عبارت دیگر زبان همانند پوششی مادی برای فرهنگ به شمار می‌رود. به عقیده تر-میناسوا «... زبان در واژگان، دستور و قواعد، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و تعبیرات، فولکلور، ادبیات و علم، در نوشتار و گفتار شفاهی، ارزش‌های فرهنگی را حفظ می‌کند» (تر-میناسوا ۱۵).

در نتیجه می‌توان چنین گفت که «هر درس زبان خارجی همانند برخورد فرهنگ‌ها و تجربه عملی ارتباط میان فرهنگی است زیرا هر واژه خارجی، دنیای خارجی و فرهنگ خارجی را منعکس می‌نماید» (تر-میناسوا ۱۴).

اما واژه خارجی به چه نحوی دنیای خارجی و فرهنگ خارجی را منعکس می‌کند؟ بدیهی است که واژگان معادل برای فرد خارجی ایجاد مشکل نمی‌کند. توضیح آنان به کمک روش ساده معنا کردن یا همان ترجمه میسر می‌گردد. به عنوان مثال کلمه «کتاب» به زبان روسی книга و به ایتالیایی libro ترجمه می‌شود. هر یک از این واژه‌ها می‌توانند تصورات یکسان و مشترکی را که با کلمه کتاب مرتبط‌اند، تداعی کنند (کتاب، کتاب-رمان، کتاب درسی، کتاب فروشی، چاپ کتاب)، و در عین حال می‌توانند تصورات کاملاً متفاوتی را ایجاد کنند که با «اطلاعات پیشین که به طور بالقوه در ذهن انسان وجود دارد و با افرادی که فرد مورد نظر به آن مجموعه تعلق دارد...» مرتبط است (ورشاکین ۴۳).

به عنوان مثال libro verde یا کتاب سبز، برای ما ایرانیان نامفهوم است در صورتی که در اذهان ایتالیایی‌ها بر مجموعه اسناد سیاسی که در مجلس شورا توزیع شود، اطلاق می‌گردد (دهخدا ۱۶۰۱۰). در روسیه Книжная палата به معنی موسسه مرکزی کتاب‌شناسی و Книга жалоб и предложений به دفتر شکایات اطلاق می‌شود (اژیگوف ۲۴۰). همچنین با کلمه

«کتاب»، ضرب‌المثل‌ها و امثال، اصطلاحات و تعبیرات عامه مرتبط می‌باشند. به عنوان مثال: در زبان روسی و فارسی می‌گویند: کتاب بهترین دوست انسان است Книга- лучший друг человека و در ایتالیایی Un buon libro, è un buon amico (یک کتاب خوب، یک دوست خوب است).

اگر به کلمه «کتابچه» و معادل ایتالیایی آن libretto توجه کنیم، می‌بینیم که در زبان ایتالیایی این کلمه نه تنها به معنای کتاب کوچک است، بلکه به معنای «تحریر کوتاهی از آثار موسیقایی همچون اپرا، اپرتا و همچنین سناریوهای نمایشنامه‌های باله‌ای‌اند» (فرهنگ لغات خارجی ۲۷۷). علاوه بر آن libretto به کتابچه یا دفتر نمره اطلاق می‌شود که در آن نمرات را در مدارس آموزش عالی ثبت می‌کنند. در زبان فارسی چنین معادلی وجود ندارد، چرا که چنین کتابچه‌هایی در دانشگاه‌ها وجود ندارند. اما در زبان فارسی «کتابچه» بخشی از یک اصطلاح است که معنی آن کنایه از گزارش مفصل و پرآب و تاب است؛ شرح و بسط اغراق‌آمیز و معمولاً از روی بدخواهی‌ست. برای مثال: آن سفر (= آن دفعه) یک تُک پا آمد سر سفره نذری، فردا یک کتابچه داد اهل محل که چرا نصرت خانوم طَبَق نیاورده، چرا کاجی درسته نگذاشته جلوی من! (ابوالحسن نجفی ۱۱۳۶)

با مثال‌های فوق می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که کلمات می‌توانند از لحاظ مفهومی کاملاً معادل بوده، اما از لحاظ معلومات پیشین، کاملاً معادل نباشند.

«واژه‌های بدون معادل در حین یادگیری زبان خارجی بیشترین مشکلات را ایجاد می‌کنند، چرا که بر مفاهیمی دلالت دارند که در زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر وجود ندارند» (شوکین ۸۲). برای مثال در زبان روسی перестройка, большевик, колхоз (پریسترویکا، بولشویک، کالخوز)، در فارسی مجلس، مسجد و در ایتالیایی Dolce vita (زندگی شیرین). بدین ترتیب واژگان بدون معادل و کلمات پیشین-زمینه‌ای، خصوصیت فرهنگ هر ملتی را منعکس می‌کنند.

معنای ملی-فرهنگی نه تنها مختص کلمات است، بلکه به عبارت و جملات نیز اختصاص می‌یابد. واضح است که در میان همه واحدهای زبانی بیشترین اطلاعات فرهنگی، در اصطلاحات نهفته است. به عنوان مثال درباره آدم لاغراندام و قدبلند که یک سر و گردن بلندتر از دیگران است، روس‌ها با استهزاء و کنایه می‌گویند верста коломенская (قد کالامنسکی) که معادل فارسی آن گول بیابانی است.

تفسیر فرهنگی اصطلاح ذکرشده اطلاعات زیر را دربردارد:

« Верста (ورستا) :

(۱) واحد قدیمی روسی برای اندازه‌گیری طول و معادل ۱,۰۶ کیلومتر است،
(۲) تیرهای کنار خیابان که سیاه و سفید رنگ‌شده‌اند، نشانگر این اندازه‌اند» (اژیگوف ۶۵).
«در ترکیب این اصطلاح، کلمه верста معیار یا واحد اندازه‌گیری بدن انسان محسوب می‌شود و در ساخت مفهوم انتزاعی و تشبیه‌کننده انسان قد بلند به ستونی با بلندی ورست (یک فرسخ) به کار می‌رود. این اصطلاح مربوط به تاریخ روستای کالامنسکویه در حوالی مسکو است که جایگاه ویژه‌ای در آثار فرهنگی و تاریخ روسیه دارد. تزار الکسیو میخایلوویچ در زمان پادشاهی خود آنجا را اقامتگاه تابستانی خود قرار داد و به همین دلیل از مسکو به روستای کالامنسکویه جاده‌ای ساخته شد که در امتداد آن تیرهای بلندی که نشانگر فاصله‌ای به میزان یک فرسخ بودند، نصب شدند. این تیرها به طور قابل توجهی بلندتر از سایر تیرهای موجود در کنار دیگر جاده‌ها بودند. ارتفاع غیرمعمول تیرهای جدید تأثیر عمیقی در ذهن به جای گذاشت که تا مدت‌ها در اذهان مردم ماند و بعدها زمینه‌ای برای به کار بردن اصطلاح верста коломенская برای آدم لاغراندازی که یک سر و گردن از دیگران بلندتر است، به وجود آورد» (تلیا ۱۰۹).

دانشجویان ایرانی به هنگام آشنایی با این اصطلاح، با لغت верста نیز آشنا می‌شوند که اغلب در آثار ادبی، اشعار و آثار سینمایی به چشم می‌خورد. علاوه بر این، اطلاعات آنها درباره تاریخ و فرهنگ روسیه نیز غنی‌تر می‌گردد.

اصطلاح روسی دیگر Ездить в Тулу со своим самоваром (با سماور خود به شهر تولا سفر کردن) مشکلی برای دانشجویان ایرانی ایجاد نمی‌کند، زیرا به واسطه کلمه آشنای سماور و همین‌طور به گواهی تاریخ که شهر تولا به خاطر سماورهایش در کل جهان مشهور است، دانشجویان به سهولت، معادل صحیح فارسی آن را که زیره به کرمان بردن است، به کار می‌برند. دانشجویان به کمک اصطلاحات با پدیده‌ها و رویدادهای روسیه قدیم آشنا می‌شوند. برای مثال، اصطلاح Мамаево побоище (نبرد مامایو) که به معنی «دعوا و مشاجره شدید» است. این اصطلاح از روی نام خان تاتار مامای گرفته شده که در قرن چهاردهم به سرزمین روس وحشیانه حمله کرد و توسط روس‌ها در نبرد کولیکوف در سال ۱۳۸۰ میلادی شکست خورد (مالاتکوف ۳۲۵).

همچنین ما به کمک اصطلاحات، اطلاعاتی را درباره سوادآموزی روسیه قدیم به دست می‌آوریم. به عنوان مثال، اصطلاح От аза до ижицы به معنی از اول تا آخر است و از اسامی حروف اول و آخر الفبای اسلاو аз و ижица گرفته شده است (مالاتکوف ۳۰). معادل فارسی

آن نیز از سیر تا پیاز است.

اصطلاحات در مورد بازی‌های کودکانه مانند قایم باشک بازی کردن (играть в прятки، در مورد سیستم پولی مانند یک پول سیاه هم نمی‌ارزد (гроша медного не стоит) صحبت می‌کنند و نیز عادات مردم را منعکس می‌کنند. برای مثال همه ناقوس‌ها را به صدا درآوردن (звонить во все колокольного звона) «در زمان قدیم با صدای زنگ ناقوس درباره بدبختی، آتش سوزی، پیشروی ارتش دشمن و غیره علامت می‌دادند. این اصطلاح در دو معنی به کار می‌رود:

اعلام خطر و ۲- همه جا اعلام کردن و پخش کردن مسائلی که برای کسی جنبه شخصی و خصوصی دارد» (تلیا ۲۳۶).

همانطور که از مثال‌ها پیداست، اصطلاحات از ابتدا همواره به نحو استعاره گونه‌ای به وجود آمده‌اند، اما به تدریج متناسب با معنی ترکیب کلمات دچار تغییر معنایی شده‌اند. این عبارات اصطلاحی که به صورت پایداری در گفتار استفاده می‌شوند، ایدیوم یا عبارت نام گرفتند. کلمه «ایدیوم از کلمه یونانی idioma ریشه گرفته است که به معنی عبارت خاص یا ویژه می‌باشد» (فرهنگ لغات خارجی ۱۸۳).

بر اساس نظریه پذیرفته شده‌ای، ایدیوم‌ها در خود وقایع، پدیده‌ها و واقعیاتی را حفظ می‌کنند که از لحاظ اجتماعی و معنوی برای ملتی که به آن زبان صحبت می‌کنند و همزمان صاحب آن فرهنگ‌اند، دارای ارزش است. اما باید این نکته را نیز متذکر شد که آن گروه اطلاعات فرهنگی که منعکس کننده جهان بینی ملت‌اند نه تنها در ایدیوم‌ها وجود دارند، بلکه در ترکیبات پایداری که به نحو گسترده‌ای به کار می‌روند نیز حفظ می‌شوند. برای مثال:

Говорить на разных языках (روسی) - زبان همدیگر را نفهمیدن (فارسی) - non c'è

verso tra di noi (ایتالیایی)

Сгореть от стыда (روسی) - از خجالت آب شدن (فارسی) - morire di vergogna

(ایتالیایی)

Выходить из моды (روسی) - از مد افتادن (فارسی) - fuori di moda (ایتالیایی)

به عنوان مثال اگر زبان‌آموزی بخواهد به روسی بگوید ساعت من جلو است، این کافی نیست که تنها کلمات ساعت، جلو و است را بداند. این عبارت به جمله ایتالیایی Il mio orologio va avanti نزدیک است، ولیکن معادل روسی آن کاملاً به صورت دیگری یعنی Мои часы спешат بیان می‌شود که ترجمه کلمه به کلمه آن می‌شود: ساعت من عجله دارد.

تفاوت اجزای واژگانی این ترکیب، مرتبط با نگاه متفاوت به اشیاء، وقایع و غیره است. به تصور روس‌ها ساعت هم مانند اشخاص جاندار به دلایلی عجله می‌کند، اما به نظر ایرانیان این موضوع خیلی ساده‌تر به نظر می‌رسد و آن را به صورت ساعت من جلوست بیان می‌کنند. آنها این واقعیت را تأیید می‌کنند که الگوریتم داده شده ساعت به دلایل فنی به هم ریخته و از زمان حال پیشی گرفته است. در مورد ایتالیایی‌ها هم چنین امری صدق می‌کند.

نتیجه

دانستن اصطلاحات نه تنها گفتار زبان‌آموزان را غنی‌تر و پربارتر می‌سازد، بلکه به آنان کمک می‌کند تا فرهنگ و تفکر مردم کشوری که زبانش را فرا می‌گیرند، درک نمایند.

تعبیر و تفسیر اصطلاحات در بافت فرهنگ یعنی بررسی آن‌ها به عنوان سمبل‌های زبانی با مفاهیم فرهنگی در کلاس‌های زبان خارجی (زبان روسی)، نه تنها ممکن بلکه ضروری و لازم است. علاوه بر این، اصطلاحات نقش «زبان» فرهنگ را در یکپارچه‌سازی شکل و محتوای آن ایفاء می‌کنند. در رابطه با این امر، نه تنها معلومات پیشین استادان زبان روسی و تجربه شخصی آنان کمک می‌کند، بلکه فرهنگ‌های بیشمار اصطلاحات و تعبیرات نیز نقش مهمی را ایفا می‌کنند. برای مثال «فرهنگ بزرگ اصطلاحات زبان روسی. معنا، کاربرد، توضیح فرهنگ‌شناسی زیر نظر تلیا». این فرهنگ نمونه مشابهی در زمینه واژه‌نگاری ندارد. به غیر از تمامی ارزش‌ها و امتیازات فرهنگ مذکور، امتیاز اصلی آن این است که اصطلاحات، نخست به عنوان سمبل‌های «زبان» فرهنگ توصیف می‌شوند.

تفسیر فرهنگ‌شناسی که به صورت منحصر به فردی در فرهنگ لغت داده شده، ضمن این که توضیح را تکمیل و روشن می‌سازد، بر اساس مبنای استعاره‌ای اصطلاحات، به صحت و اعتبار معنی اصطلاحات و در نهایت به درک تدریجی ولیکن قابل اطمینان فرهنگ کمک می‌کند. تفسیر فرهنگ‌شناسی اصطلاحات، می‌تواند موضوعی برای مقاله‌ای جداگانه باشد. اما ما در چارچوب مقاله حاضر هدفمان را بر این قرار دادیم تا چگونگی تأثیر متقابل فرهنگ و زبان در اصطلاحات را بررسی کنیم. همچنین سعی کردیم ضرورت اصطلاحات به عنوان «زبان» فرهنگ را در کلاس‌های آموزش زبان خارجی (روسی) مطرح کنیم.

از آنجا که امروزه، درک زبان به عنوان پدیده‌ای فرهنگی مسئله‌ای اساسی در زمینه تدریس زبان‌های خارجی محسوب می‌شود، شکل دهی مهارت‌های ارتباطی و فرهنگ‌شناسی زبانی در زبان‌آموزان ایرانی امری مهم و ضروری به شمار می‌آید.

Bibliography

- Akishina, A. A., Kagan O. E. (1382/2004). *Uchimcia uchit* (Учимся учить). Moscow.
- Antipov, T. A., Donskikh O. A., Morkovina I. U., Sorokina U. A. (1368/1989). *Text kak yivlenie kulturi* (Текст как явление культуры). Novosibirsk.
- Babazadeh, J. (1388/2009). *Ruskaya fraziologia ve iranckai auditori* (Русская фразеология в иранской аудитории), Tehran. Samt.
- Dehkhoda, Aliakbar. (1373/1994). Encyclopedic Dictionary. Tehran: Tehran University Publications. A small Dictionary of Proverbs.
- Guazzotti, Paola. Federica Oddera, Maria. Zanichelli. (1387/2008). *Le mio dizionario dei Proverbi*. Zanichelli.
- Malatkov, (1365/1986). *Fraziologicheski Slovar ruskova yazika* (Фразеологический словарь русского языка). Moscow. Russki Yazik.
- Najafi, Abolhassan. (1378/1999). *Farhange Farsi e Amianeh*. Tehran: Entesharate Niloufar.
- Ojigov, S. I., (1365/1986). *Slovar ruskova yazika* (Словарь русского языка) Moscow: Ruski Yazik ublications.
- Sepir, I. (1372/1993). *Komunikatcia//Izbrannie trudi po yazikoznaniu i kulturologi* (Коммуникация//Избранные труды по языкознанию и культурологии). Moscow. Progress.
- Shukin, A. N. (1375/1986). *Metodika pripodavania ruskova yazika kak inostrannava* (Методика преподавания русского языка как иностранного). Moscow: Ruski Yazik Publications.
- . (1363/1984). *Slovar inostrannikh slov* (Словарь иностранных слов). Moscow: Ruski Yazik Publications.
- Telia, V. N. (1385/2006). *Bolshoi fraziologicheski Slovar ruskova yazika, Znachenie, Upotriblenie, Kulturologicheski komentari* (Большой фразеологический словарь русского языка, Значение. Употребление. Культурологический комментарий). Moscow: Ast-Press Publications.
- Ter-Minasova, S. T., (1379/2000). *Yaziki i mejkulturnaya komunikatcia* (Языки и межкультурная коммуникация). Moscow. Slova.
- Vereshagin, E. M., Kastamarov V. G. (1369/1990). *Yazik i kultura* (Язык и культура), Moscow. Russki Yazik.
- www. it.wikiquote.org